



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

عنوان پایان‌نامه:

کاربردهای استعاره‌ی بدن‌واژه‌ها در زبان فارسی

نگارش:

معصومه محمدی

استاد راهنما:

دکتر بلقیس روشن

استاد مشاور:

دکتر فرزانه سجودی

فروردین ۱۳۸۹

فهرست مطالب

پیش‌گفتار و قدردانی	۱
چکیده	۱
فصل اول: کلیات پژوهش	۲
۱-۱ بیان مسأله	۴
۱-۲ پرسش‌های پژوهش	۴
۱-۳ فرضیات پژوهش	۴
فصل دوم: مبانی نظری	۶
۲-۱ اهمیت بدن‌واژه‌ها در زبان	۸
۲-۲ مهم‌ترین مفاهیم بیان‌شده توسط بدن‌واژه‌ها	۱۱
۲-۲-۱ مفاهیم پیش‌نیاز	۱۳
۲-۲-۱-۱ یک‌سویگی تغییرات دستوری	۱۳
۲-۲-۱-۲ انتقال مفهومی	۱۴
۲-۲-۲ جهت‌یابی فضایی	۱۵
۲-۲-۲-۱ فرایند بسط مفهومی از عضو بدن به جهت اشاره‌ای	۲۵
۲-۲-۳ انتقال مفهومی از یکی از اعضای بدن به عضو دیگر	۲۶
۲-۲-۳-۱ راهبرد بالا-پایین	۲۸
۲-۲-۳-۲ راهبرد جزء-به-کل	۲۹
۲-۲-۴ انتقال مفهومی از اعضای بدن به اشیای بی‌جان	۲۹
۲-۳ استعاره	۳۰
۲-۳-۱ مجاز	۳۷
۲-۴ جمع‌بندی	۴۰
فصل سوم: پیشینه‌ی پژوهش	۴۱
۳-۱ پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی بدن‌واژه‌ها	۴۲

۴۲۳-۱-۱ فیلولوژی (لغت‌شناسی تاریخی)
۴۳۳-۱-۲ پدیدارشناسی
۴۵۳-۱-۳ آناتومی قومی
۴۸۳-۱-۴ نظریه‌ی جسمیت‌یافتگی
۴۹۳-۱-۵ زبان‌شناسی و علوم شناختی
۵۱۳-۱-۶ روان‌شناسی
۵۳۳-۱-۷ پژوهش‌های انجام‌شده در زبان فارسی
۵۴۳-۲ پیشینه‌ی مطالعات استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی
۶۰۳-۳ جمع‌بندی
۶۲فصل چهارم: ارائه و تحلیل داده‌ها
۶۴۴-۱ انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها در درون مقوله‌ی نحوی اسم
۶۴۴-۱-۱ ارائه‌ی داده‌ها همراه با طبقه‌بندی معنایی
۶۴۴-۱-۱-۱ انگشت
۶۴۴-۱-۱-۲ بازو
۶۴۴-۱-۱-۳ پا
۶۷۴-۱-۱-۴ پشت
۶۷۴-۱-۱-۵ پوست
۶۸۴-۱-۱-۶ پیشانی
۶۹۴-۱-۱-۷ جگر
۶۹۴-۱-۱-۸ چانه
۶۹۴-۱-۱-۹ چشم
۷۵۴-۱-۱-۱۰ چنگ
۷۵۴-۱-۱-۱۱ خون
۷۷۴-۱-۱-۱۲ دست
۸۸۴-۱-۱-۱۳ دل
۱۰۰۴-۱-۱-۱۴ دماغ
۱۰۱۴-۱-۱-۱۵ دنده
۱۰۱۴-۱-۱-۱۶ دهن / دهان

۱۰۲	رگ	۴-۱-۱-۱۷
۱۰۲	رو	۴-۱-۱-۱۸
۱۰۵	ریش	۴-۱-۱-۱۹
۱۰۶	زبان	۴-۱-۱-۲۰
۱۰۷	سیل	۴-۱-۱-۲۱
۱۰۸	سر	۴-۱-۱-۲۲
۱۱۶	شانه	۴-۱-۱-۲۳
۱۱۶	شست	۴-۱-۱-۲۴
۱۱۷	صورت	۴-۱-۱-۲۵
۱۱۷	قلب	۴-۱-۱-۲۶
۱۱۸	کام	۴-۱-۱-۲۷
۱۱۸	کله	۴-۱-۱-۲۸
۱۱۹	کمر	۴-۱-۱-۲۹
۱۲۰	گردن	۴-۱-۱-۳۰
۱۲۰	گوش	۴-۱-۱-۳۱
۱۲۲	لب	۴-۱-۱-۳۲
۱۲۲	مخ	۴-۱-۱-۳۳
۱۲۲	مشت	۴-۱-۱-۳۴
۱۲۳	مغز	۴-۱-۱-۳۵
۱۲۳	مو	۴-۱-۱-۳۶
۱۲۳	ناخن	۴-۱-۱-۳۷
۱۲۴	ناف	۴-۱-۱-۳۸
۱۲۴	یال	۴-۱-۱-۳۹
۱۲۴	باهم آیی بدن واژه‌ها	۴-۱-۱-۴۰
۱۲۴	چشم و گوش	۴-۱-۱-۴۰-۱
۱۲۵	دست و پا	۴-۱-۱-۴۰-۲
۱۲۵	دست و دل	۴-۱-۱-۴۰-۳
۱۲۵	دل و دماغ	۴-۱-۱-۴۰-۴

- ۱۲۵..... ۴-۱-۱-۴۰-۵ سر و پا
- ۱۲۶..... ۴-۱-۱-۴۰-۶ سر و رو
- ۱۲۶..... ۴-۱-۱-۴۰-۷ سر و کله
- ۱۲۶..... ۴-۱-۲ انواع انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها در حوزه‌ی مقوله‌ی نحوی اسم
- ۱۳۹..... ۴-۲ انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به مقوله‌ی نحوی فعل
- ۱۴۰..... ۴-۲-۱ ارائه‌ی داده‌ها همراه با طبقه‌بندی معنایی
- ۱۴۰..... ۴-۲-۱-۱ استخوان
- ۱۴۰..... ۴-۲-۱-۲ پا
- ۱۴۲..... ۴-۲-۱-۳ پشت
- ۱۴۲..... ۴-۲-۱-۴ تن
- ۱۴۲..... ۴-۲-۱-۵ چانه
- ۱۴۲..... ۴-۲-۱-۶ چشم
- ۱۴۵..... ۴-۲-۱-۷ چنگ
- ۱۴۵..... ۴-۲-۱-۸ خون
- ۱۴۶..... ۴-۲-۱-۹ دست
- ۱۵۰..... ۴-۲-۱-۱۰ دل
- ۱۵۲..... ۴-۲-۱-۱۱ دهن
- ۱۵۲..... ۴-۲-۱-۱۲ رخ
- ۱۵۳..... ۴-۲-۱-۱۳ رو
- ۱۵۵..... ۴-۲-۱-۱۴ ریش
- ۱۵۵..... ۴-۲-۱-۱۵ زبان
- ۱۵۶..... ۴-۲-۱-۱۶ سر
- ۱۶۲..... ۴-۲-۱-۱۷ گردن
- ۱۶۲..... ۴-۲-۱-۱۸ گوش
- ۱۶۴..... ۴-۲-۱-۱۹ باهم‌آیی بدن‌واژه‌ها
- ۱۶۴..... ۴-۲-۱-۱۹-۱ چشم و رو
- ۱۶۴..... ۴-۲-۱-۱۹-۲ دست و پا
- ۱۶۵..... ۴-۲-۱-۱۹-۳ دست و سر

- ۱۶۵..... ۴-۱۹-۱-۲-۴ سر و پا
- ۱۶۵ ۴-۱۹-۱-۲-۵ سر و صورت
- ۱۶۵ ۴-۱۹-۱-۲-۶ سر و کله
- ۱۶۶ ۴-۱۹-۱-۲-۷ سر و گوش
- ۱۶۶ ۴-۲-۲ انواع انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به مقوله‌ی نحوی فعل
- ۱۷۰ ۴-۳-۲ انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به مقوله‌های نحوی صفت و قید
- ۱۷۰ ۴-۳-۱ ارائه‌ی داده‌ها همراه با طبقه‌بندی معنایی
- ۱۷۰ ۴-۳-۱-۱ پا
- ۱۷۰ ۴-۳-۱-۱-۱ صفت
- ۱۷۱ ۴-۳-۱-۱-۲ قید
- ۱۷۱ ۴-۳-۱-۲ پشت
- ۱۷۱ ۴-۳-۱-۲-۱ صفت
- ۱۷۲ ۴-۳-۱-۲-۲ قید
- ۱۷۲ ۴-۳-۱-۳ چانه
- ۱۷۲ ۴-۳-۱-۳-۱ صفت
- ۱۷۲ ۴-۳-۱-۴ چشم
- ۱۷۲ ۴-۳-۱-۴-۱ صفت
- ۱۷۳ ۴-۳-۱-۵ خون
- ۱۷۳ ۴-۳-۱-۵-۱ صفت
- ۱۷۳ ۴-۳-۱-۶ دست
- ۱۷۳ ۴-۳-۱-۶-۱ صفت
- ۱۷۴ ۴-۳-۱-۶-۲ قید
- ۱۷۶ ۴-۳-۱-۷ دل
- ۱۷۶ ۴-۳-۱-۷-۱ صفت
- ۱۷۷ ۴-۳-۱-۸ دماغ
- ۱۷۷ ۴-۳-۱-۸-۱ صفت
- ۱۷۷ ۴-۳-۱-۹ دندان
- ۱۷۷ ۴-۳-۱-۹-۱ صفت

- ۱۷۷ ۱۰-۱-۳-۴ دهن / دهان
- ۱۷۷ ۱-۱۰-۳-۴ صفت
- ۱۷۷ ۲-۱۰-۳-۴ قید
- ۱۷۷ ۱۱-۱-۳-۴ رو
- ۱۷۷ ۱-۱۱-۳-۴ صفت
- ۱۷۸ ۲-۱۱-۳-۴ قید
- ۱۷۸ ۱۲-۱-۳-۴ ریش
- ۱۷۸ ۱-۱۲-۳-۴ قید
- ۱۷۸ ۱۳-۱-۳-۴ زبان
- ۱۷۸ ۱-۱۳-۳-۴ صفت
- ۱۷۹ ۲-۱۳-۳-۴ قید
- ۱۷۹ ۱۴-۱-۳-۴ سر
- ۱۷۹ ۱-۱۴-۳-۴ صفت
- ۱۸۰ ۲-۱۴-۳-۴ قید
- ۱۸۲ ۱۵-۱-۳-۴ قلب
- ۱۸۲ ۱-۱۵-۳-۴ قید
- ۱۸۲ ۱۶-۱-۳-۴ کام
- ۱۸۲ ۱-۱۶-۳-۴ صفت
- ۱۸۲ ۱۷-۱-۳-۴ کله
- ۱۸۲ ۱-۱۷-۳-۴ صفت
- ۱۸۳ ۱۸-۱-۳-۴ گوش
- ۱۸۳ ۱-۱۸-۳-۴ صفت
- ۱۸۳ ۱۹-۱-۳-۴ لب
- ۱۸۳ ۱-۱۹-۳-۴ صفت
- ۱۸۳ ۲۰-۱-۳-۴ باهم آیی بدن واژه‌ها
- ۱۸۳ ۱-۲۰-۳-۴ چشم و رو
- ۱۸۳ ۱-۱-۲۰-۳-۴ صفت
- ۱۸۴ ۲-۲۰-۳-۴ سر و پا

- ۱۸۴..... ۴-۳-۱-۲۰-۲-۱ قید
- ۱۸۴..... ۴-۳-۲ انواع انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به مقولات نحوی صفت و قید
- ۱۸۹..... ۴-۴-۱ انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به مقوله‌ی نحوی حرف اضافه
- ۱۸۹..... ۴-۴-۱-۱ حروف اضافه‌ی مکان
- ۱۸۹..... ۴-۴-۱-۱-۱ ارائه‌ی داده‌ها همراه با طبقه‌بندی معنایی
- ۱۸۹..... ۴-۴-۱-۱-۱-۱ پا
- ۱۹۰..... ۴-۴-۱-۱-۱-۲ پشت
- ۱۹۴..... ۴-۴-۱-۱-۱-۳ پشت سر
- ۱۹۴..... ۴-۴-۱-۱-۱-۴ پهلو
- ۱۹۵..... ۴-۴-۱-۱-۱-۵ رو
- ۱۹۷..... ۴-۴-۱-۱-۱-۶ سر
- ۲۰۲..... ۴-۴-۱-۱-۱-۷ سینه
- ۲۰۲..... ۴-۴-۱-۱-۱-۸ کله
- ۲۰۲..... ۴-۴-۱-۱-۱-۹ لب
- ۲۰۴..... ۴-۴-۱-۲ تحلیل انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به حروف اضافه‌ی مکان
- ۲۰۸..... ۴-۴-۲ حروف اضافه‌ی زمان
- ۲۰۸..... ۴-۴-۲-۱ ارائه‌ی داده‌ها همراه با طبقه‌بندی معنایی
- ۲۰۸..... ۴-۴-۲-۱-۱ پشت
- ۲۰۹..... ۴-۴-۲-۱-۲ پشت سر
- ۲۰۹..... ۴-۴-۲-۱-۳ سر
- ۲۱۰..... ۴-۴-۲-۲ تحلیل انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به حروف اضافه‌ی زمان
- ۲۱۱..... ۴-۴-۳ حروف اضافه‌ی منطقی
- ۲۱۱..... ۴-۴-۳-۱ ارائه‌ی داده‌ها همراه با طبقه‌بندی معنایی
- ۲۱۱..... ۴-۴-۳-۱-۱ پا
- ۲۱۱..... ۴-۴-۳-۱-۲ پشت
- ۲۱۲..... ۴-۴-۳-۱-۳ پشت سر
- ۲۱۲..... ۴-۴-۳-۱-۴ رو
- ۲۱۲..... ۴-۴-۳-۱-۵ سر

۲۱۵تحلیل انتقال‌های مفهومی بدن‌واژه‌ها به حروف اضافه‌ی منطقی
۲۱۷۴-۵ استعاره یا مجاز؟
۲۱۸۴-۶ جمع‌بندی
۲۱۹فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۲۲۰۵-۱ یافته‌های پژوهش
۲۲۰۵-۱-۱ محک زدن فرضیات پژوهش
۲۲۴۵-۱-۲ دیگر یافته‌های پژوهش
۲۲۷۵-۲ کاربرد پژوهش
۲۲۷۵-۳ پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی
۲۲۸کتاب‌نامه

فهرست جداول

١٧.....	جدول ٢-١
١٨.....	جدول ٢-٢
٢٨.....	جدول ٢-٣
٢٩.....	جدول ٢-٤
٣٠.....	جدول ٢-٥
١٢٧.....	جدول ٤-١
١٣٠.....	جدول ٤-٢
١٣١.....	جدول ٤-٣
١٣٤.....	جدول ٤-٤
١٣٥.....	جدول ٤-٥
١٣٦.....	جدول ٤-٦
١٣٨.....	جدول ٤-٧
١٦٦.....	جدول ٤-٨
١٦٧.....	جدول ٤-٩
١٦٩.....	جدول ٤-١٠
١٨٤.....	جدول ٤-١١
١٨٦.....	جدول ٤-١٢
١٨٧.....	جدول ٤-١٣
١٨٨.....	جدول ٤-١٤
١٨٨.....	جدول ٤-١٥
٢٠٥.....	جدول ٤-١٦
٢٠٧.....	جدول ٤-١٧
٢٠٨.....	جدول ٤-١٨
٢١٠.....	جدول ٤-١٩

٢١٥	جدول ٢٠-٤
٢١٧	جدول ٢١-٤
٢٢٢	جدول ١-٥

فهرست شکل‌ها

۱۹	شکل ۲-۱
۲۴	شکل ۲-۲
۲۶	شکل ۲-۳
۲۰۶	شکل ۴-۱
۲۰۶	شکل ۴-۲

پیش‌گفتار و قدردانی

نقش بدن را به دلیل اهمیت بسیار زیاد آن، در نظام شناختی انسان و در زبان - که می‌توان آن را انعکاسی از قابلیت‌های شناختی ذهن بشر دانست - می‌توان از جهات مختلف در علوم گوناگون از جمله زبان‌شناسی مورد بررسی قرار داد. پژوهش حاضر تنها بر یکی از این جنبه‌ها در زبان فارسی متمرکز است و آن نیز همان‌گونه که از عنوان آن بر می‌آید، آن دسته از کاربردهای واژگان دال بر اعضای بدن در زبان است که استعاری هستند؛ به عبارت دیگر چندمعنایی این دسته از واژگان در زبان زیاد است و غالباً برای اشاره به معانی‌ای غیر از اعضای بدن به کار می‌روند. به‌قدری این مطلب در زبان‌های مختلف دنیا و در مطالعات رده‌شناختی چشمگیر بوده که چنان‌که در فصول آتی خواهیم دید، این مدعا از سوی تنی چند از زبان‌شناسان و مردم‌شناسان زبان مطرح می‌گردد که این یکی از گرایش‌های جهانی می‌باشد.

رویکرد پژوهشگر به این مسأله و به تعریف استعاره، رویکرد معنی‌شناسی شناختی است که طبق آن استعاره پدیده‌ای است نه منحصر به زبان، که ابزاری برای تفکر انسان. این جاست که اهمیت و وسعت چندمعنایی و کاربردهای استعاری قلمرو معنایی اعضای بدن در زبان و در نظام مفهوم‌سازی و هم‌چنین لزوم بررسی‌های هرچه بیش‌تر در این زمینه آشکار می‌گردد.

بر خودم فرض می‌دانم از زحمات و کمک‌های بی‌دریغ سرکار خانم دکتر روشن تشکر کنم. ایشان همواره با آرامش، صبر و دقت بسیار مرا از راهنمایی‌های سودمندشان بهره‌مند کردند و در طی انجام این پژوهش بیش از پیش افتخار شاگردی ایشان را هم در عرصه‌ی زبان‌شناسی و هم در زمینه‌ی اخلاق و مهربانی داشتم. هم‌چنین از جناب آقای دکتر سجودی تشکر می‌کنم؛ راهنمایی‌ها و کمک‌های ایشان در طی این راه، بسیار روشن‌گر و موجب دلگرمی من بود. از جناب آقای دکتر سمائی نیز متشکرم که داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند و با دقت نظر مطالعه فرمودند. زبان من در قدردانی از تمامی اساتید دیده و نادیده که افتخار شاگردی‌شان را داشته‌ام و با مهارت و محبت خود شوق یادگیری و مطالعه را در من ایجاد کردند، قاصر است. لازم است از تمامی دوستان مهربانم که نوشتن این پایان‌نامه بدون آن‌ها و مساعدت‌های بی‌چشم‌داشت‌شان غیرممکن می‌بود و یا چیزی کم می‌داشت تشکر کنم، به‌ویژه خانم رعنا محسنی مهربانم که در جریان پیشرفت کار من بودند و همواره به من قوت قلب می‌دادند. مهم‌تر از همه، می‌خواهم از زحمات پدر و خواهرم تشکر کنم که در قسمت تقدیم نیز از آن‌ها یاد کرده‌ام. بدون فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های خواهرم و تلاش‌ها و بزرگواری و پایداری پدر، هرگز و هرگز

کار پژوهش به اتمام نمی‌رسید و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، ناقص می‌بود. بسیار دوستان دیگر در این مدت و در این راه کمک‌حالم بودند و دستگیری کردند، از همه سپاسگزارم.

چکیده:

پژوهش حاضر به موضوع بسط‌های معنایی بدن‌واژه‌ها در زبان فارسی می‌پردازد. داده‌های پژوهش را ساخت‌های حاوی تکواژهای دال بر اعضای بدن که در معنایی غیر از معنای اصلی خود به کار رفته باشند تشکیل می‌دهند که از دو کتاب داستان در حوزه‌ی ادبیات مدرن فارسی که دارای نثری سلیس و امروزی هستند جمع‌آوری شدند. داده‌ها بر اساس مقوله‌ی نحوی‌شان به چهار گروه اسم، فعل، صفت و قید و حرف اضافه طبقه‌بندی شدند و سپس بر اساس آثار هاینه (۱۹۹۷) و تعاریف بسط معنایی و استعاره و مجاز در متون زبان‌شناسی شناختی، مشخصاً لیکاف و جانسن (۱۹۸۰) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تحلیل‌های انجام شده بر روی داده‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی، جهت‌یابی اشاره‌ای را عمدتاً در مورد حروف اضافه‌ی مکان می‌توان یافت و جهت‌یابی فضایی‌ای که در قلمروهای نحوی اسم و صفت و قید دیده می‌شود بیشتر از نوع جهت‌یابی شیئی-اشاره‌ای است. الگوهای انتقال مفهومی متفاوتی در داده‌ها قابل تشخیص بود: برخی از انتقال‌های مفهومی بر اساس شکل عضو بدن، برخی بر اساس کارکرد عضو و برخی دیگر بر اساس جایگاه عضو در حالت قائم بدن شکل گرفته بودند. به‌علاوه در هر گروه از مقولات نحوی گروهی از انتقال‌های مفهومی یافت شدند که احتمالاً بدین علت که بسیار فرهنگ-ویژه بودند، امکان ذکر علت شناختی به‌خصوصی برای شکل‌گیری آن‌ها وجود نداشت. هم‌چنین بدن‌واژه‌ی 'دل' نقش بسیار مهمی در بیان انواع احساسات و هیجانات در فارسی ایفا می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: بدن‌واژه، انتقال مفهومی، بسط معنایی، استعاره، مجاز، جهت‌یابی فضایی، روابط زمانی، روابط منطقی، تغییر مقوله‌ی نحوی، دستوری شدن.

فصل اول

کلیات پروہنس

۱ کلیات پژوهش

بدن، امری بسیار مهم در تجارب انسانی محسوب می‌شود. بدن ما از سویی بخشی از وجود ماست و از سوی دیگر بخشی از جهانی است با آن مواجهیم. بنابراین باید گفت بدن ما بر خلاف دیگر اشیاء که در اطراف خود می‌بینیم، از نوعی دوگانگی برخوردار است. تجربه‌ی بدن بر دیگر تجارب مقدم و محور تجارب روزمره‌ی ماست. احتمالاً به همین دلیل هم هست که بدن در همه‌ی زبان‌ها مرجعی غنی برای مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی اشیاء و روابط جهان اطراف می‌باشد. تا کنون مطالعات رده‌شناختی بسیاری در خصوص واژگان دال بر اعضای بدن (که در پژوهش حاضر از اصطلاح *بدن‌واژه‌ها* برای این دسته از واژگان استفاده شد) در زبان‌های گوناگون انجام شده و عده‌ای از پژوهشگران هم‌چون سوورو (۱۹۹۳) و هاینه (۱۹۹۷) ادعا می‌کنند که در این زمینه گرایش‌های جهانی‌ای وجود دارد، به‌عنوان مثال در زمینه‌ی وضعیت مکانی و مکان‌شناسی (انفیلد، مجید و ون‌استادن، ۲۰۰۶: ۱۳۸).

برای اطمینان از وجود چنین گرایش‌های جهانی‌ای و توصیف تفاوت‌های موجود میان زبان‌های دنیا لازم است که پژوهش‌های بیشتری در زمینه‌ی این دسته از واژگان بر روی عده‌ی بیشتری از زبان‌ها انجام گیرد. پژوهش حاضر سعی در روشن کردن نقش بدن‌واژه‌های زبان فارسی در مفهوم‌سازی و توصیف اشیاء، پدیده‌ها و روابط جهان اطراف گویشوران این زبان دارد. این پژوهش از نوع توصیفی خواهد بود. داده‌ها همان‌گونه که خواهیم دید از دو اثر ادبی زبان فارسی جمع‌آوری گشته‌اند. علت عدم استفاده‌ی پژوهشگر از لغت‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها این بوده است که لغت‌نامه‌ها معمولاً فاقد جزئیات و وضوح مورد نیاز برای مطالعه‌ی بسط‌های معنایی این دسته از واژگان می‌باشند. یکی از محدودیت‌های این پژوهش عدم دسترسی به آثار مهم در این زمینه هم‌چون کتاب مهم الن اندرسن با عنوان *جهانی‌های واژگانی ترمینولوژی اعضای بدن*^۱ بوده است. تنها کتاب مرتبط با این بحث که نگارنده به‌دشواری بدان دسترسی پیدا کرد، کتاب بسیار جالب برنند هاینه^۲ (۱۹۹۷) با عنوان *مبانی شناختی دستور* بود. هاینه استاد زبان‌های آفریقایی در دانشگاه کلن بوده است و در پژوهش‌های خود عمدتاً از داده‌های جمع‌آوری شده از زبان‌های مختلف در آفریقا بهره می‌جوید. در کتاب یاد شده وی متذکر می‌شود که رویکرد وی رویکرد دستور جهانی رده‌شناختی است که هدف آن اثبات وجود قاعده‌مندی‌هایی میان زبان‌های گوناگون است. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر، حجم زیاد داده‌ها، گستردگی کار و کمبود وقت بود

¹ Lexical universals of body-part terminology

² Bernd Heine

که موجب شد پژوهشگر از پرداختن به بسیاری از جزئیات صرف نظر و در طول پروژه حرکت کند.

۱-۱ بیان مسأله

همان‌طور که در مقدمه عنوان شد، به کار رفتن بدن‌واژه‌ها در معنایی غیر از معنای اصلی آن‌ها (دلالت بر اعضای بدن) نه تنها در بسیاری از زبان‌های دنیا دیده می‌شود بلکه توسط عده‌ای از پژوهشگران هم‌چون هاینه (۱۹۹۷) گرایشی جهانی تشخیص داده شده است. این پدیده نه تنها عجیب نیست، بلکه کاملاً مورد انتظار است زیرا در زبان‌شناسی شناختی طبق اعتقاد لیکاف و جانسن (۱۹۸۰) مفهوم‌سازی ما از جهان اطراف در حوزه‌های انتزاعی‌تر بر مفاهیم ملموس - که با وضوح بیشتری در تجارب ما حک می‌شوند - بنا می‌گردند؛ تجربه‌ی بدن نیز مقدم‌ترین و ملموس‌ترین تجارب است. در مواجهه با این پدیده‌ها و نظریات این ایده در ذهن پژوهشگر ایجاد شد که به توصیف انواع بسط‌های معنایی بدن‌واژه‌ها در زبان فارسی بپردازد؛ آیا می‌توان توضیحی شناختی برای این بسط‌ها ارائه کرد؟ کدام بسط‌ها می‌توانند جهانی و کدام‌ها می‌توانند فرهنگ-ویژه قلمداد شوند؟ و مهم‌تر از همه این‌که بسیار جالب خواهد بود اگر دستاوردهای چنین پژوهش توصیفی‌ای در مطالعات رده‌شناختی و تحلیل‌های مقابله‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۲ پرسش‌های پژوهش

۱. آیا بدن‌واژه‌ها به‌طور وسیع در بسط‌های مفهومی در انواع مقولات نحوی حتی افعال مرکب و حروف اضافه شرکت می‌کنند؟
۲. آیا مجموعه‌ی خاصی از بدن‌واژه‌ها در تبیین روابط عاطفی و هیجانی شرکت دارند؟
۳. آیا عده‌ی به‌خصوصی از بدن‌واژه‌ها در بیان روابط فضایی و زمانی نقش دارند؟
۴. چه مؤلفه‌های معنایی‌ای در جریان به کار رفتن بدن‌واژه‌ها در بسط‌های معنایی برجسته می‌گردد؟

۱-۳ فرضیات پژوهش

۱. بسط‌های معنایی بدن‌واژه‌ها را به‌طور وسیع در تمامی مقولات نحوی حتی افعال مرکب و حروف اضافه‌ی زبان فارسی می‌توان دید.
۲. مجموعه‌ی کوچکی از بدن‌واژه‌ها هستند که در بیان احساسات و هیجانات نقش دارند و نیز اعضای داخلی نقش مهمی در بیان روابط عاطفی و هیجانی ایفا می‌نمایند.

۳. دسته‌ی به‌خصوصی از بدن‌واژه‌ها هستند که در بیان روابط مکان و زمان نقش دارند و این دسته همان بدن‌واژه‌هایی هستند که آن‌ها را در قالب حروف اضافه‌ی مکان و زمان در مقوله‌ی نحوی حروف اضافه می‌توان یافت.
۴. ویژگی‌هایی هم‌چون شکل اعضا و کارکرد آن‌ها می‌تواند در شکل‌گیری بسط‌های معنایی آن‌ها نقش داشته باشد.

در فصل آتی که به مبانی نظری پژوهش اختصاص دارد، به معرفی آن دسته از آراء هاینه که در ارتباط با پژوهش حاضر است و به دنبال آن به‌اختصار به تعریف استعاره و مجاز از دیدگاه لیکاف و جانسن (۱۹۸۰) پرداخته می‌شود. فصل سوم که به پیشینه‌ی پژوهش اختصاص دارد، به دو بخش عمده تقسیم می‌شود. در بخش اول تاریخچه‌ی مطالعات بدن‌واژه‌ها در رشته‌های پژوهشی مختلف آورده می‌شود و سپس در بخش بعدی تاریخچه‌ی مختصری از مطالعات استعاره در زبان‌شناسی آورده می‌شود. فصل چهارم به ارائه و تحلیل داده‌ها اختصاص دارد؛ داده‌ها بر اساس مقوله‌ی نحوی خود به چهار گروه تقسیم می‌شوند و در داخل هر گروه داده‌ها به تفکیک بدن‌واژه‌ای که در آن‌ها دچار بسط معنایی شده است، به‌لحاظ معنایی طبقه‌بندی می‌گردند. در انتهای ارائه‌ی داده‌های هر گروه از مقولات نحوی، داده‌ها به‌تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. در فصل پنجم یافته‌های پژوهش ارائه و فرضیات محک زده می‌شوند.

فصل دوم

مبانی نظری

پروفس